

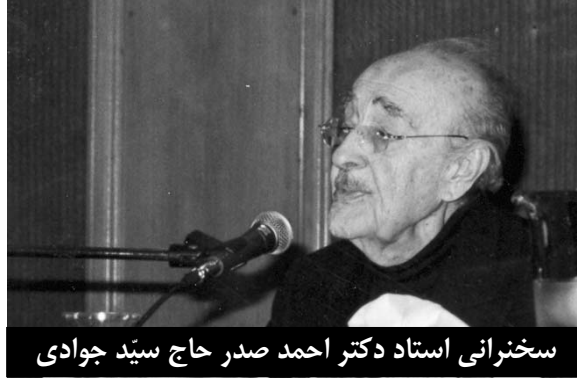
مراسم دومین سالگرد دکتر یدالله سبحانی در حسینیه ارشاد

□ من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا = از مومنین مردانی اند که به آن چه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آن‌ها در (همین) انتظارند و هرگز عقیده‌ی خود را تبدیل نکردند.

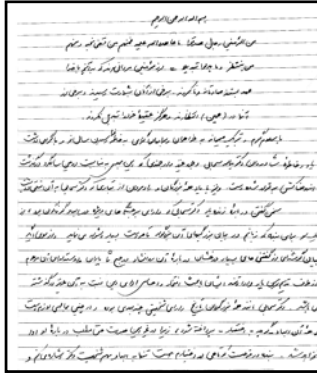
با سلام گرم و تبریک صمیمانه به خواهران و برادران گرامی به خاطر فرا رسیدن سال نو و با گرمی داشت یاد و خاطره‌ی شادروان دکتر یدالله سبحانی، وجود عزیز و ارجمندی که این مجلس به مناسبت دومین سالگرد درگذشت اندوهناکش برقرار شده است، و نیز با یاد همه‌ی بزرگان و رادمردان از تباری که دکتر سبحانی به آن تعلق داشت.

سخن گفتن درباره‌ی زنده‌یاد دکتر سبحانی که دارای برجستگی‌های ویژه در ابعاد گوناگون بود، از یک سو برای بنده که زبانم در بیان بزرگی‌های آن بزرگوار قاصر است، بسیار دشوار می‌نماید و از سوی دیگر بیان گوشه‌های از گفتنی‌های بسیار درخشان درباره‌ی آن روان‌شاد در جمع شما یاران و دوست‌داران آن مرحوم از طرف قدیم‌ترین یار و ارادتمند ایشان باعث افتخار و احساس ادای دین نسبت به آن عزیز درگذشته می‌باشد.

دکتر سبحانی، مانند همه‌ی بزرگ‌مندان تاریخ دارای شخصیتی چند بعدی بوده و در چنین مجالسی لازم است که همه‌ی آن ابعاد - گرچه به اختصار - پرداخته شود، زیرا در غیر این صورت حق مطلب درباره‌ی او روا نخواهد شد. بنده در فرصت کوتاهی که در اختیارم هست، تنها به ابعاد مهم شخصیت دکتر اشاره می‌کنم و



سخنرانی استاد دکتر احمد صدر حاج سید جوادی



اسلامی، هیچ‌گاه از یادها نخواهد رفت.

شادروان دکتر سبحانی با آن که مورد احترام شخصیت‌ها، جناح‌ها و گروه‌های گوناگون سیاسی حتی مخالف با اندیشه‌های او بود و از این منظر قطعاً شخصیت فراجناحی داشت، ولی با فروتنی و انضباط و توسعه‌یافتگی ویژه‌اش، نه تنها هیچ‌گاه ادعای فوق‌تشیکیلات بودن نمی‌کرد و تمایلی به این امر نداشت، بلکه پیوسته به وابستگی خود به سازمان‌ها و نهادهایی که به آن‌ها تعلق داشت، تأکید می‌ورزید و با همه‌ی احترامی که هم‌فکران و شاگردانش برای او قائل بودند، همواره مانند یار دیرینش زنده‌یاد مهندس مهدی بازرگان، اصرار داشت که در جمع هم‌سنگران با رعایت همه‌ی موازین کار جمعی و تشکیلاتی فعالیت کند. شایسته است که این خصلت ارزشمند که مخالف سرسخت خودخواهی‌ها و خودبینی‌ها است، الگویی برای همه‌ی فعالان سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی ما قرار گیرد، ان‌شاءالله تعالی.

دکتر سبحانی امروز در میان ما نیست، اما راه او که راه آزادی و سربلندی ملت ایران است، ادامه دارد. دوستان و هم‌فکران آن روان‌شاد راهی را که او مصرانه تا آخرین لحظه‌های زندگی‌اش بدان وفادار بود و عشق می‌ورزید، ادامه می‌دهند. ■

یادش زنده و گرامی، و راهش پر رهرو باد.

دیگران را با گفتار و تشویق خود وادار به عمل می‌کرد.

کم‌تر کسی است که از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و ارزشمند آن روان‌شاد در پایه‌گذاری رشته‌ی زمین‌شناسی و تدریس آن در دانشکده‌ی علوم دانشگاه تهران و تأسیس مدارس کمال و کوثر، و سعی بلیغش در اصلاح نظام آموزشی و پرورشی در ایران آگاهی نداشته باشد.

برای آقای دکتر سبحانی، عمل به دین تنها در اجرای عبادات معمول - که البته آن‌ها را تا دقائق آخر حیات خود به دقت انجام می‌داد - خلاصه نمی‌شد، بلکه او خدمت به خلق خدا از طریق فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی بویژه به صورت سازمان‌یافته و تشکیلاتی را جزء جدایی‌ناپذیر وظایف اسلامی و تحقق عمل صالح توأم با ایمان می‌دانست و در این وادی یک الگو و اسوه به‌شمار می‌رفت.

او از یک سو با ایجاد موسسات خیریه و آموزشی و از سوی دیگر با مشارکت در پایه‌گذاری و اداره‌ی سازمان‌های سیاسی و اجتماعی و فعالیت ضابطه‌مند در آن‌ها این مهم را به انجام می‌رساند. نقش عظیم و ماندگار او در بنیان‌گذاری، مدیریت و فعالیت در نهضت مقاومت ملی، جبهه ملی دوم، نهضت آزادی ایران، کمیته‌ی ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر، انقلاب اسلامی، جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت و نیز ایقاعی مسوولیت در دولت موقت و نخستین دوره‌ی مجلس شورای

اطمینان دارم که سخنرانان محترم این همایش باشکوه، جلوه‌های زیبای شخصیت او را آن گونه که شایسته و بایسته است به تصویر خواهند کشید.

برای آن که صفات برجسته‌ی دکتر سبحانی را به طور فشرده بیان کنم، می‌توانم بگویم که او دین‌داری عالم و عالمی متعهد و مصداق کاملاً آشکار آیه‌ی شریفه‌ای بود که بدو ا قرائت کردم. او از آغاز جوانی درد دین داشت و در تمام مراحل زندگی فردی و اجتماعی خود موازین و ارزش‌های والای دین را با عمق و دقتی مثال‌زدنی رعایت می‌کرد.

او در عین حال یک دانشمند بود، چه در زمینه‌ی علوم طبیعی بویژه زمین‌شناسی و چه در حیطه‌ی علوم دینی، گرچه خود در حوزه‌ی دین ادعای اجتهاد نمی‌کرد، ولی به معارف دین عمیقاً آشنا بود و برای شناخت و درک صحیح و عمیق‌تر دین، از علم بهترین بهره را می‌گرفت و این دو جنبه را به نیکی، قوام و تلفیق می‌داد، به گونه‌ای که هر یک از این دو بعد مکمل و پشتیبان یکدیگر بودند. نمونه‌ی این تلفیق و هماهنگی فرخنده را می‌توان در تألیف کتاب ارزشمند **خلقت انسان** سراغ گرفت.

عنصر بسیار مهم دیگر در منش و رفتار دکتر سبحانی، تأکید و پای‌بندی شدید او به اقدامات عملی بود، یعنی به همه‌ی آن چه که به آن اعتقاد و علم داشت هم به صفت فردی عمل می‌کرد و هم

دکتر سحابی

کتاب علی شاملو

معلم اخلاق و سلوک سیاسی



□ دو سال از درگذشت استاد فرزانه، مبارز، مقاوم و خستگی‌ناپذیر معاصر، دکتر یدالله سحابی، استاد و پدر زمین‌شناسی ایران، عضو برجسته‌ی شورای عالی آموزش، از فعالان نهضت مقاومت ملی و از بنیان‌گذاران و رهبران برجسته‌ی نهضت آزادی ایران، سپری شد. یاد آن مرشد و آموزگار گرمی هم‌چنان در دل شاگردان، یاران و هم‌زمان او زنده و پایدار است. دکتر سحابی بزرگ‌مردی بود که عمر طولانی و پربار خود را، با نزدیک به یک قرن درد و رنج و تلاش بی‌وقفه برای حفظ و گسترش ارزش‌های اسلامی و انسانی و استیفای حقوق ملت و استقرار دموکراسی در کشور استبدادزده‌ی ایران، با افتخار، سربلندی، عزت و خدمت به مردم گذراند. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران، در مراسم بزرگداشت آن رادمرد در سال ۱۳۷۸، خصوصیات ایشان را چنین برشمرد: دکتر سحابی و آن دو یار دیرین، مهندس مهدی بازرگان و آیت‌الله طالقانی، عمری سرافرازانه به دانش‌آموزی و آموزش و نیک‌کردای و نیک‌گفتاری و نیک‌پنداری با مش و سلوک در صراط اعتدال و مستقیم، انصاف و عدالت‌ورزین اجتناب از ستم و مبارزه با ستمگر، پیشه ساختن نظم و زیستن و انضباط، اخلاق، کار، خدمت به کشور و دین، تولید فراوان و مصرف اندک، گذرانده‌اند و هر دوستدار فضیلت و پاکی و علم و تقوی و میهن‌دوستی و دیانت‌خواهی در برابر آنان سر تعظیم فرود می‌آورد و زبان به تجلیل و قلم به تحریر می‌گشاید. افزون بر اوصاف نیکوی فوق، یگانگی قول و فعل، مقدم داشتن مصالح کشور و مردم، خویش را ندیدن و خدمت و قدم خود را کوچک شمردن و در خدمات لب از سخن فروستن. شرح احوال و کارنامه‌ی سیاسی، علمی، فرهنگی و خدماتی شادروان دکتر سحابی، روشن‌تر از این است که نیاز به توضیح داشته باشد. استادی که از آغاز قرن، خدمات آموزشی و فرهنگی خود را آغاز می‌کند. در سال ۱۳۰۴ شمسی، ابلاغیه‌ی معلمی مدرسه ابن‌سینای تهران را دریافت می‌نماید و در مدیریت امور فرهنگی و اداره‌ی امتحانات، در آغاز جوانی، کارآمدی خود را به اثبات می‌رساند. در سال ۱۳۰۷، وارد دارالمعلمین مرکزی می‌شود و در سال ۱۳۱۰ نامش جزء نخستین فارغ‌التحصیلان علوم طبیعی ایران در تاریخ دستگاه‌های ایران ثبت می‌شود؛ در سال ۱۳۱۱، در کنکور اعزام دانشجو به خارج از کشور شرکت می‌کند و موفق می‌شود که برای ادامه تحصیل به فرانسه اعزام گردد و در دانشگاه شهر لیل تحصیلات خود را در رشته‌ی زمین‌شناسی تا سطح دکترا ادامه دهد؛ پس از اتمام تحصیلات عالی، به ایران بازمی‌گردد. در سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۱۸ رشته‌ی زمین‌شناسی به همت و کوشش ایشان در دارالمعلمین مرکزی (دانش‌سرای عالی) تأسیس و بنیان‌گذاری می‌شود. هرچند که شغل مورد علاقه‌ی دکتر سحابی معلمی بود و از آموزگاری ساده تا مرتبه‌ی استادی ممتاز دانشگاه را طی کرد، آن‌چه او را از دیگران مشخص و متمایز می‌سازد، خط مشی ثابت ملی و سیاسی اوست که همراه با حفظ ارزش‌ها، دفاع از حق و حقیقت و پایبندی به اصول خدشه‌ناپذیر مردم‌سالاری، در کنار ارائه خدمات علمی و فنی انکارناپذیر، عمری را صرف دفاع از منافع ملی و مبارزه با استبداد سیاسی و دینی و استعمار فرهنگی می‌کند. دکتر سحابی هم‌گام و همراه یاران دیرینش، مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی، از اواخر دهه‌ی ۲۰ و اوایل دهه‌ی ۳۰، وارد صحنه‌ی مبارزات و کنش‌های سیاسی نهضت ملی به رهبری و پیش‌گامی پیر تاریخ ایران دکتر محمد مصدق، شد. تا آن هنگام معتقدان اصیل و برخی از استادان دانشمند دانشگاه از سیاست فاصله می‌گرفتند و به اصطلاح خود را قاطی سیاست نمی‌کردند. سیاست کشور در اختیار سیاست‌بازان و سیاست‌مداری مترادف با چالپوسی، مقام‌پرستی و زیر پا گذاشتن وجدان و اخلاق بود. اما مبارزات قاطع و بی‌گیر با استعمار انگلیس و استبداد داخلی، رشد نهضت ملی و تجربه مردم‌سالاری در عصر مصدق، سیاست را به مفهوم خدمت به مردم به عرصه عمل اجتماعی و مردمی کشاند و از این طریق گروه‌های زیادی از مردم شوق و ذوق مشارکت و مداخله در سیاست را پیدا کردند.

در این میان، روشن‌فکران دینی - که اصالت‌های فرهنگی و دینی را پشتوانه‌ی یک حرکت اصیل سیاسی - اجتماعی قرار داده بودند - با بهره‌گیری از نیروی جوان دانشجویان مومن و معتقد، بنیان یک حرکت پایدار و مستمر مبارزاتی را که متکی بر بینش‌های ملی و دینی آنان بود، پایه‌گذاری کردند. کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، اگرچه فرایند نوپای دموکراسی را در نطفه خفه کرد و در استبداد داخلی و استیلای خارجی را بار دیگر سلطه داد، نهضت ملی ایران را متوقف نکرد. از فردای کودتا، بسیاری از یاران مصدق، از جمله دکتر سحابی، همراه با مهندس بازرگان، آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله زنجانی و سایر پیروان وفادار مصدق در نهضت حکومت ملی، متشکل شدند و با ایجاد روح مقاومت و پایداری و زنده نگاه داشتن روحیه‌ی مبارزاتی مردم در برابر تبلیغات سنگین و یک‌سویه‌ی رژیم زخم‌خوردی شاه، به استقامت و مبارزه ادامه دادند. نهضت مقاومت ملی، در طول هشت سال مبارزات مخفیانه‌ی خود، به اتکای نیروی ملت، به دفاع از حیثیت و اصالت مبارزات ملت ایران و نگاه‌داری از دستاوردهای سیاسی و معنوی ملی شدن صنعت نفت پرداخت. در سال ۱۳۳۹، مبارزات ملت ایران علیه حکومت کودتا و سلطه آمریکا و انگلیس بر ایران اوج تازه‌ای یافت و مبارزه‌ی علنی امکان‌پذیر گردید. جبهه‌ی ملی تجدید حیات نمود. مهندس بازرگان، دکتر سحابی، آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله زنجانی - که نمایندگان جریان ملی - اسلامی بودند - به همراه سایر نیروهای ملی، نقش مؤثری را در آن مقطع ایفا کردند، و سپس در اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ به‌منظور تکمیل سازماندهی نیروهای مردم به تشکیل «نهضت آزادی ایران» اقدام نمودند. بدین ترتیب پایه یکی از دیرپاترین احزاب سیاسی ایران، براساس اسلامیت، ایرانیت و مصدقی بودن گذاشته شد. اما پس از مبارزات و برخوردهای قاطع در سال‌های ۳۹ و ۴۰ این مبارزان راه آزادی و محاکمات نظامی به جرم اقدام علیه امنیت کشور به زندان‌های طولانی محکوم شدند که بر اثر ادامه‌ی مبارزات در داخل زندان، به زندان برازجان تبعید گردیدند.

آنان حتی در زندان، محاکمه‌ی رژیم کودتا و مبارزه علیه آن را فراموش نکردند و به تلاش‌های فرهنگی و علمی خویش ادامه دادند. در همان سال‌های زندان بود که بازرگان **سیر تحول قرآن** را به نگارش درآورد، طالقانی **پرتوی از قرآن** را تدوین کرد و دکتر سحابی کتاب ارزشمند و پرمعنی **خلقت انسان** را نگاشت و پس از آزادی از زندان، آنان هم‌چنان پایدار و مصمم نه تنها در سنگرهای نهضت آزادی ایران و انجمن‌های اسلامی به مبارزات خود برای آزادی ملت ایران ادامه دادند، بلکه به تأسیس نهادهای آموزشی، از جمله دبیرستان‌ها با شعار «تکحکیم دین از راه ترویج علم» همت گماردند و مدارس نمونه‌ای مانند دبیرستان کمال و کوثر از خود به یادگار گذاشتند. دکتر سحابی در این حرکت نقش کلیدی داشت. دکتر سحابی، همانند سایر هم‌زمانش در نهضت آزادی ایران، نقش مهمی در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران ایفا کرد. او قبل از پیروزی انقلاب عضو شورای انقلاب و مسوول کمیته اعتصابات بود و پس از پیروزی انقلاب مسوولیت وزیر مشاور در طرح‌های انقلاب در دولت موقت را برعهده داشت؛ در انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی از سوی مردم تهران به نمایندگی انتخاب گردید و به‌عنوان رئیس سنی نخستین دوره مجلس شورا در جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. دکتر سحابی همراه با مهندس بازرگان و پس از درگذشت آن زنده‌یاد همواره در برابری عدالتی و تجاوز به حقوق مردم ایستادگی کرد و هرگز از تلاش برای استقرار دموکراسی و شرایط عادلانه‌تر در جامعه و نصیحت حاکمان از پای نایستاد.

دکتر سحابی به کار سیاسی جمعی عمیقاً اعتقاد داشت و متعهد بود تنها راه نهادینه شدن دموکراسی را رشد و گسترش احزاب با قبول تمام الزامات می‌دانست و تا پایان عمر پربرنکشی، با وجود ضعف شدید ناشی از ایران حضور می‌یافت و به‌طور فعالانه در بحث‌ها شرکت می‌کرد. او معلم اخلاق و سلوک سیاسی بود.

زنده‌یاد دکتر یدالله سحابی در سال‌های پایانی عمر بابرکت‌شان با نگرانی فراوان، وضعیت زندانیان عضو نهضت آزادی ایران و سایر فعالان ملی - مذهبی را پیگیری کرده، در نامه‌های خصوصی و یا سرگشاده به مقام رهبری، ریاست جمهوری و سایر مقامات ضمن اعتراض به بازداشت‌های غیرقانونی این عزیزان، خواستار آزادی فوری یا حداقل محاکمه آنان در دادگاه‌های علنی برطبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی می‌شدند. سرانجام این مرد دین، علم و سیاست در آستانه‌ی ۹۷ سالگی در روز جمعه ۲۳ فروردین ماه ۱۳۸۱ دار فانی را بدرود گفت و تمامی دوستداران و یاران خویش را عزادار ساخت بی‌شک نام و یاد دکتر سحابی همیشه و در تمامی قرن‌های متمادی باقی خواهد ماند. ■

روانش شاد و راهش پر رهرو باد.